



عباسقلی گلشانیان

خاطرات زندگی
سیاسی من

۷



منین دفتری

خطر غرق شدن کشتی هم بود. کمیانی نفت جنوب از استخراج بیشتر خودداری و درآمد ما از نفت ماه به ماه کمتر می شد و باتذکر و اعتراض وزارت دارائی نتیجه مثبت گرفته نمیشد و این

در تاریخ هشتم تیر ماه ۱۳۱۹ کابینه دکتر متین دفتری سقوط کرد و مرحوم علی منصور (منصورالملک) نخست وزیر شد. مرحوم امیر خسروی به وزارت دارائی باقی ماند. مرحوم دکتر متین دفتری چند روزی تحت نظر بود و گویا اعلیحضرت فقید از ایشان از جهاتی دلستگ بودند چون مکرر در جلسات بعد میفرمودند که ما را از جریانات بیخبر گذاشته بودند و ما را با گفته های (خاطر مبارک آسوده باشد) اغفال کردند.

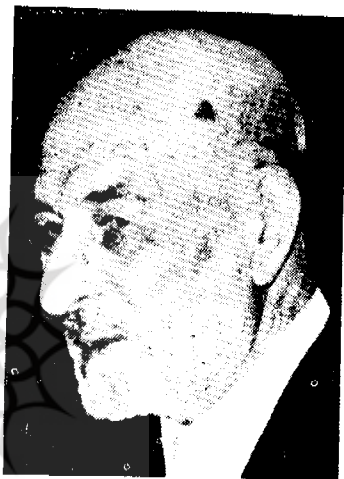
از وقایع مهمی که در تاریخ سیاسی کشور مؤثر شد، قضیه نفت بود و تفصیل آن بشرحی که در جرائد آن زمان منعکس بود اجمالاً اینست: در نتیجه جنگ و پیشرفت آلمانها و سیادت در دریاهارساندن نفت باکشتی از منابع خلیج فارس و نفت ایران بسیار مشکل و

عصبانیت حضرات انگلیسها از دولت و شخص
اعلیحضرت فقیده همین اقدام و فشار به کمپانی
نفت بود که در جریان حادثه شوم شهریور هم
بی اثر نبود و باز گوهم کردند .

بیمورد نیست برای اطلاع خوانندگان
تذکر دهم ، که در زمان سلطنت اعلیحضرت
فقید عایدات نفت جزو بودجه کشور نبود و در
حساب اندوخته کشور ریخته میشد و فقط برای
خرید اسلحه و گاهی خرید وسائل راه آهن
آنها با اجازه مجلس شورا مصرف می شد و این
امر برحسب قانون بود متأسفانه بعد از واقعه
شهریور ، در ۸ مهرماه ۱۳۲۵ بموجب قانون
مخصوص کلیه پرداختهای که در مدت سال
از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران
بعمل می آمد علاوه موجودی سنوات قبل که در
حساب اندوخته بود به بودجه کشور علاوه شد
تا سال ۱۳۲۸ شمسی که اینجانب متصدی وزارت
دارائی شدم و سازمان برنامه تشکیل شده بود
عایدات نفت را از بودجه خارج کرده و به
سازمان برنامه تحویل دادم .

جریان جنگ خانمانسوز جهانی تقریباً
تمام کارهای کشور را راکد کرده بود . معاملات
ما با روسها و آلمانها جریان داشت . آلمانها
برای اینکه بتوانند هرچه بیشتر کالای مصرفی
در کشور خود ذخیره کنند تسهیلات بسیاری
در معاملات قائل بودند . معمول گذشته این
بود وقتی جنس در سرحد آلمان میرسید اعتبار
باز میگردند ولی در آن موقع حاضر شدند که به
محض تحویل جنس به نماینده آنها در سرحد
ایران اعتبار باز کنند و چون هنوز با روسها

گاهش در آمد موجب شد اعلیحضرت رضاشاه
دستور فرمودند موضوع در جراید و مجلس
منعکس شود و در جلسه مجلس دو نفر از آقایان
نمایندگان (مرحوم صدرالاشراف و مرحوم
طباطبائی) از دولت سؤال کردند و دولت را
مورد مؤاخذه قرار دادند .



صدرالاشراف

اقدامات جراید و کلاو فشار دولت منجر
به قرارداری با شرکت نفت شد که تاخنگ باقی
است شرکت نفت همه ساله چه استخراج داشته
باشد چه نداشته باشد مبلغ چهار میلیون پوند
بدولت بپردازد بشرطی که سه میلیون آن قابل
تبدیل به دلار باشد . در اینجا باید توضیح
دهم که قبلاً "شرکت نفت حق الامتیاز را به لیره
میب پرداخت و چون موقع جنگ خریدهای ما از
کشورهای غیر مشترک المنافع بود شرکت متعهد
شد سه میلیون از چهار میلیون حق الامتیاز
سالانه را به دلار بدهد . ظاهراً این اقدام
بمنفع کشور بود ولی متأسفانه یکی از جهسات

به روز تیره تر میشد و با اقدامات بی‌رویه ایشان و گاهی عملیات بی‌تناسب مشارالیه در کارها که موجب دلتنگی رؤسای ادارات میشد محیط وزارت دارائی را بسیار متشنج کرده بود . مکرر من تصمیم به استعفا گرفتم ولی از ترس اعلیحضرت جرأت نکردم . امیر خسروی هم نمیتوانستند مرا عوض کنند چون در زمان اعلیحضرت فقید معاونین شاید از خود وزرا هم مقام ثابت تر داشتند هیچ وزیری نمیتوانست معاون انتخاب یا عوض کند و محتاج به کسب اجازه بود آنهم با دلیل شاه پسند و حقا " هم برای پیشرفت کار ثبات معاونان در وزارتخانه بسیار مؤثر است .

یاد دارم در سال ۱۳۳۵ شمسی در دولت مرحوم علاء قانونی گذشت که معاونین تا پنج سال ثابت باشند ولی متأسفانه هنوز بقول معروف مرکب قانون خشک نشده بود که خلاف آن عمل شد و هنوز هم عمل میشود .

سال ۱۳۱۸ در شرف اتمام است . یکی دو ماه است که من دیگر به دفتر مرحوم امیر -



حسین علاء

مناسبات حسنه داشتند قرار داد ترانزیت باروسها بسته بودند و اغلب کالاهای صادراتی مارا از راه جلفا تحویل گرفته و اجناس وارداتی را هم از اینراه تحویل میدادند و چون مقرر داد ترانزیت باروسها نداشتیم برای اینکه آلمانها بتوانند از اینراه استفاده کنند اجناسی را که از ما میخریدند یا میفروختند با اسم کالای آلمانی روی بستهها علامت میزدند . این اقدام تا وقتی که مناسبات خوب باروسها داشتند اشکالی نداشت بعد که آلمانها باروسیه وارد جنگ شدند کالاهای مارا چون مارک آلمانی داشت ضبط کردند و با تمام اقداماتی که بعد از شهریور دولت نمود به نتیجه نرسید و مبالغ هنگفتی بدولت و تحار ایرانی ضرر وارد آمد .

مناسبات من با مرحوم امیر خسروی روز



امیر خسروی

چنین پیشنهادی به وزیر کرده اند که او بدفتر مخصوص منعکس کند .



مهدی منصور

مرحوم منصور بنده را به هیئت احضار واز من توضیح خواستند من گفتم این دستور شخص وزیر است و من مخالفت کردم و سوابق امر را بنظر ایشان در جلسه هیئت رسانیدم وحتی گفتم قبل از اینکه دستور از طرف دفتر مخصوص برسد ایشان عده ای راه ولایات که نسبت به "گندم خیز بوده فرستاده اند و اجازه داده اند بهر قیمتی شده گندم بخرند . مرحوم منصور گفت دستور بده موقوف کند و مراتب را بعرض رسانده بود . بعد منصور بمن گفت با اینکه بالا رفتن گندم قیمت بنفع خود اعلیحضرت بود چون تمام محصول املاک ایشان را در شمال و غرب و گرگان دولت میخرد مع الوصف معظم له منافع کشور را بر مصلحت شخصی ترجیح دادند .

(ادامه دارد)

خسروی نمیروم بلکه سعی دارم کارهایی که در قسمت اقتصادی است بخوبی انجام دهم و اگر دستوری هم از طرف ایشان صادر می شود که برخلاف مصلحت است به متصدیان کتبا می نویسم اجرا نکنند من باب مثال ایشان دستور داده بودند شرحی برای دفتر مخصوص تهیه شود و اجازه خواسته بودند بهاء گندم خریداری را که از یکصد ریال در خرداد حداقل و یکصد و پنجاه ریال حداکثر بود مبلغی اضافه شود و اجازه میخواستند که بوسیله دلالت های خرید آزاد بهر قیمتی که لازم باشد از زراعتین گندم خریداری شود (این نکته ضروری است گفته شود که در ظرف سالهای ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ شمسی مملکت خشک سال بود و واقعا " محصول گندم و جو خیلی کم و کشور در مضیقه بود و شاه بهیچ عنوان اجازه خرید از خارج نمیداد) . من وقتی مینوت کاغذ را دیدم در حاشیه آن نظر مخالف خود را نوشتم . مرحوم امیر خسروی توجهی نکردند و نامرا امضا و بدفتر مخصوص فرستادند و روز بعد کاغذ شدید الحنی رسید که اشاره شده بود گران کردن نرخ گندم مستلزم بالا بردن قیمت نان است و گران شدن نان بالا رفتن تمام بهاء کالاها و اعتراض شدید کرده بودند به خرید آزاد که آنهم موجب میشود دیگر زراعتین بدولت گندم نفروشدند و قیمت همه چیز بالا رود و بدولت امر فرموده بودند رسیدگی کنند مأمورین وزارت مالیه چرا